


Achieving the most important elements of belief in God and trust in the good life based on the document of the fundamental transformation of education with a jurisprudential-educational approach

Ehsan Khalili

Qom Seminary, Qom, Iran (Corresponding author).


ehkh14@gmail.com

 0000-0002-2840-8417

Seyyed Inayatullah Kazemi

Educational Jurisprudence Department of Al-Mustafa Community of Qom, Qom, Iran.

enayat255@gmail.com

 0000-0002-4083-1496

Abstract

The education system of the country needs a fundamental update and transformation, on the other hand, the imperceptible implementation of some provisions of the 2030 document in every corner adds to the necessity of this transformation in the direction of Islamic-Iranian education. The important goal of this article is to examine the jurisprudential-educational document of the fundamental transformation of education with the aim of achieving the most important elements of belief in God and trusting in God in the good life. Examining this issue is necessary in order to realize paragraph 1 of the main goals of the transformation document. The realization of this lofty goal is manifested in the education of a believer, God-believer, committed to duties, self-respecting and self-respecting. The realization of this goal as a macro-strategy in the epistemological dimension, based on "Knowing God, strengthening faith, paying attention to the Supreme Being and not despairing of anything other than Him, and being righteous and persevering on it", all of which are considered as grounds and elements of trust. This article deals with this basic question: "Based on the review of the fundamental transformation document, what are the key elements of belief in God and trust in Hayat Tayyaba?" In order to achieve a definitive answer, the following article analyzed the contents of the verses and narrations with a descriptive-analytical method, and by using the methods of manifestation from the text according to the principles of inference, it deduced the most important elements of the development of belief in God and trust. One of the most important research results is the matching of the indicators of belief in God in the Qur'an and hadiths with the goals and practical solutions of the fundamental transformation document, as well as achieving the areas of trust, which include: "Knowing God's attributes; strengthening faith; Believing in the eternal essence of God and not relying on others; Righteousness and perseverance on it.

Keywords: The document of the fundamental transformation of education, general policies of creating transformation in education, Trust, belief in God, Righteousness, Strengthening faith.

دستیابی به مهم‌ترین عناصر خداباوری و توکل در حیات طیبه بر پایه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکرد فقهی - تربیتی^۱

احسان خلیلی

فارغ‌التحصیل سطح ۴ (دکتری) حوزه علمیه قم رشته فقه و اصول، قم، ایران (نویسنده مسئول).
ehkh14@gmail.com ID 0000-0002-2840-8417

سیدعنایت‌الله کاظمی

دکترای تخصصی، گروه فقه تربیتی جامعه‌المصطفی قم، قم، ایران.
enayat255@gmail.com ID 0000-0002-4083-1496

چکیده

نظام تعلیم و تربیت کشور نیازمند به‌روزرسانی و تحولی اساسی است از سوی دیگر نیز اجرای نامحسوس برخی مفاد سند ۲۰۳۰ در گوشه و کنار بر ضرورت این تحول در جهت تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی می‌افزاید. هدف مهم این نوشتار بررسی فقهی - تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با هدف دستیابی به مهم‌ترین عناصر خداباوری و توکل بر خدا در حیات طیبه است. بررسی این مهم در راستای تحقق بند ۱ از هدف‌های کلان سند تحول ضروری است. تحقق این هدف والا در تربیت انسانی مؤمن، خداباور، متعهد به وظایف، حق‌مدار و دارای عزت نفس تجلی می‌یابد. تحقق این هدف به‌عنوان یک راهبرد کلان در بعد معرفتی، مبتنی بر «شناخت پروردگار، تقویت ایمان، توجه به ذات باری تعالی و ناامیدی از غیر او و حق‌مداری و استقامت بر آن» که همگی از زمینه‌ها و عناصر توکل به‌شمار می‌رود. این مقاله به این پرسش اساسی می‌پردازد: «برپایه بررسی سند تحول بنیادین، عناصر کلیدی خداباوری و توکل در حیات طیبه چیست؟» برای دستیابی به پاسخی متقن، مقاله پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی به تحلیل مفاد آیات و روایات پرداخته و با بهره‌گیری از روش‌های استظهار از متن مطابق میانی اصول استنباط، مهم‌ترین عناصر رشد خداباوری و توکل را استنباط کرد. از مهم‌ترین نتایج پژوهشی تطابق شاخصه‌های خداباوری در قرآن و روایات با اهداف و راهکارهای عملی سند تحول بنیادین است و همچنین دستیابی به زمینه‌های توکل که عبارت‌اند از: «شناخت صفات پروردگار؛ تقویت ایمان؛ باورمندی به ذات لایزال الهی و امید نبستن به دیگران؛ حق‌مداری و استقامت بر آن».

کلیدواژه‌ها: سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش، توکل، خداباوری، حق‌مداری، تقویت ایمان.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

CC BY 4.0



doi 10.22034/SCS.2023.409889.1472

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز است:

مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر سندی جهانی در امر آموزش و پرورش مشهور به سند ۲۰۳۰ تنظیم شده است که رگه‌هایی از اجرای برخی مفاد آن در کشور نیز مشاهده شده و این در حالی است که اسناد بالادستی درخصوص نظام آموزش و پرورش وجود دارد؛ ازجمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. در صورت غفلت از اجرای اهداف و مفاد سند تحول بنیادین، نظام‌های تربیتی غربی ازجمله سند ۲۰۳۰ به‌طور نامحسوس در نظام تعلیم و تربیت کشور جای خود را باز خواهد کرد؛ بنابراین با توجه به ضرورت تحول در نظام تربیتی کشور و اصلاح نواقص و به‌روزرسانی نظام آموزش و پرورش تنظیم و اجرای این سند مطابق با مبانی نظری تعلیم و تربیت نظام اسلامی امری ضروری است.

از اهداف کلان سند بنیادین تحول آموزش و پرورش، تربیت انسانی مؤمن، متخلق و متعهد به وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). عملیاتی‌شدن و تحقق این هدف به‌عنوان یک راهبرد کلان در بُعد معرفتی، مبتنی بر «شناخت پروردگار، تقویت ایمان، باور به خدا و ناامیدی از غیر او و حق‌مداری و استقامت بر آن» که موارد مزبور همگی از زمینه‌های توکل و عناصر خداباوری به‌شمار می‌رود و آیات و روایات بر آن تأکید دارند.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یکی از اهداف کلانی که در بند ۱ بر آن تأکید شده تربیت انسانی مؤمن و متخلق، آشنا و متعهد به وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). همچنین در گزاره‌های ارزشی که در ابتدای سند آمده است، آموزه‌های قرآن کریم و نقش تربیتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) را از گزاره‌های ارزشی این سند معرفی می‌کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). با توجه به این دو نکته برای پرورش انسانی با ایمان و خداباور باید به آموزه‌های قرآن کریم و سخنان ارزشمند اهل بیت (علیهم‌السلام) مراجعه کرد. تربیت چنین انسانی متوقف بر تحقق عناصر خداباوری در مرتبه است.

در بند ۱ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش کشور نیز ضمن تأکید بر موارد مزبور جهت این تحول را «رسیدن به حیات طیبه» عنوان کردند

(خامنه‌ای، ۱۳۹۲). با مراجعه به بیانیه مأموریت در متن سند تحول روشن می‌شود که این تحول بنا دارد: «زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه‌ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به‌صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

این نوشتار قصد دارد با رویکرد فقهی تربیتی به بررسی مهم‌ترین عناصر خداواری در آیات و روایت بپردازد که از مهم‌ترین اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود. همچنین به ارتباط این عناصر با سند تحول به‌طور مستقل می‌پردازد و برای هر یک راهکارهای عملیاتی ارائه می‌دهد. تا با اجرای آن در امر تعلیم و تربیت شاهد تربیت انسان‌هایی رشدیافته، مؤمن و حق‌مدار باشیم.

این نگاشته از طرفی با علم اخلاق اسلامی (نراقی، بی‌تا؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۶) مرتبط است؛ به‌دلیل طرح مباحثی از اخلاق اسلامی در موضوع توکل و راهکارهای آن؛ از سوی دیگر با علوم مرتبط با استنباط فقهی و اجتهادی همچون فقه با تأکید بر روش فقه تربیتی (اعرافی، ۱۳۹۱) و اصول (صدر، ۱۴۲۳ق؛ مظفر، ۱۴۳۰ق) مرتبط است؛ زیرا از نظر روش تحلیل مسئله و ادله آن در علوم استنباط فقهی قرار می‌گیرد؛ بنابراین مقاله میان‌رشته‌ای به‌شمار می‌رود که با برخی علوم اسلامی از قبیل فقه و اخلاق ارتباط دارد.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: یکی از اسناد مهم و بالادستی نظام جمهوری اسلامی است که رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود و همه سازمان‌های مرتبط با تعلیم و تربیت از جمله وزارت آموزش و پرورش مأمور به اجرای این سند هستند. این سند ۸ فصل دارد که در شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسات ۶۸۱ تا ۶۹۷ (از تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۱۲ تا تاریخ ۱۳۹۰/۷/۵) بررسی شد و به تأیید و تصویب نهایی این شورا رسید و از همان تاریخ لازم‌الاجرا شده است. در این مقاله برای اشاره به این سند از عنوان «سند» یا «سند تحول» استفاده می‌شود.

سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور: این سیاست‌ها بر پایه اجرای بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی توسط امام خامنه‌ای رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۰ به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است. در این نوشتار برای اشاره به این سیاست‌های کلی به اختصار عبارت «سیاست‌های کلی» به‌کار می‌رود.

۱. اهداف پژوهش

هدف مهم این مقاله دستیابی به مهم‌ترین عناصر خداباوری و توکل بر خدا در حیات طیبه است. این هدف در راستای تحقق بند ۱ از هدف‌های کلان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و بند ۱ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش ابلاغیه امام خامنه‌ای است. تحقق این هدف والا در تربیت انسانی مؤمن و متعهد به وظایف، حق مدار تجلی می‌یابد که در بند اول از هر دوی سند و سیاست‌های کلی آمده است.

۲. پرسش پژوهش

بر این اساس پرسش اصلی مقاله عبارت است از:
برپایه بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، عناصر کلیدی خداباوری و توکل در حیات طیبه چیست؟

۳. پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌های انجام شده در حوزه آموزش و پرورش دو مقاله مرتبط با خداباوری یافت نشد.

مقاله‌ای با عنوان «استلزامات سبک زندگی اسلامی (با تمرکز بر رابطه انسان با خدا) در اسناد تحولی آموزش و پرورش» نوشته معصومه صمدی که هدفش استخراج استلزام‌های سبک زندگی اسلامی با تمرکز بر رابطه انسان با خداست. طبق یافته‌های این پژوهش استلزامات «رابطه انسان با خدا» در سه حوزه عقلی، عاطفی و عملی قرار دارد. استلزام‌های عقلی سه مضمون توحیدمحوری، معادمحوری و ولایت‌محوری دارد، استلزام‌های عاطفی دو مضمون خُب و بغض و استلزام‌های عملی دو مضمون عبادات و اخلاق دارد. از این‌رو نظام آموزش و پرورش با ایجاد معرفت‌بخشی به دانش‌آموزان از طریق استلزام‌های سه‌گانه (شناختی، عاطفی و عملی) می‌تواند در زمینه استقرار سبک زندگی اسلامی در دانش‌آموزان نقش‌آفرین باشد (صمدی، ۱۴۰۰).

مقاله دیگری با عنوان «اثربخشی آموزش فلسفه به نوجوانان بر پرورش باورهای زیبایی‌شناختی و قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه» نوشته طهماسب‌زاده و همکارانش که به بررسی اثربخشی آموزش فلسفه برای نوجوانان با روش کندوکاو فلسفی با بهره‌گیری از داستان‌های متون کلاسیک فارسی بر پرورش باورهای زیبایی‌شناختی و قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان دوره متوسطه پرداخته

است. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر تبریز با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای گزینش شده است (طهماسب‌زاده، ۱۳۹۸).

مهم‌ترین نقاط قوت پژوهش‌های انجام شده در این مسئله تمرکز بر رابطه انسان با خدا و پرورش باورهای زیبایی‌شناختی از طریق آموزش فلسفه به نوجوانان است. در مقاله اول جامعیت مسائل تحت رابطه انسان با خدا مشاهده می‌شود و در مقاله دوم ابتکار آموزشی با آموزش فلسفه به نوجوانان رخ داده و بازخورد آن نیز گرفته شده است. نقاط ضعفی پژوهش‌های انجام شده نپرداختن به جزئیات رابطه انسان با خدا و بسنده کردن به کلان مسئله‌های حوزه عقلی، عاطفی، عملی است یا بسنده کردن به آموزش فلسفه بدون توجه به مسائل معنوی و پرورش آگاهی دینی در خداآوری در حیات طیبه است. همچنین عدم ارائه راهکارهای عملیاتی متنوع برای تحقق خداآوری در دانش‌آموزان در این پژوهش‌ها مشهود است

در پژوهش حاضر سعی شده علاوه بر بررسی جزئیات خداآوری و مهم‌ترین عناصر دخیل در تحقق خداآوری در حیات طیبه بر پایه آیات و روایات، راهکارهای عملیاتی متنوع نیز برای اجرا در مدارس و آموزش و پرورش ارائه شود.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

۴-۱-۱. توکل

این واژه در لغت به معنی «واگذاری و تفویض» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص. ۴۰۵). در اصطلاح تعاریف مختلفی از آن شده است؛ ابن عربی، غزالی، نراقیین، فیض کاشانی و برخی با کمی تفاوت به «اعتماد قلبی به خدا» تعریف کرده‌اند (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۱۹۹؛ غزالی، بی‌تا، ج ۱۳، ص. ۱۸۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۷، ص. ۴۰۵؛ نراقی، بی‌تا، ج ۳، ص. ۲۱۹؛ نراقی، ۱۳۷۸، ص. ۷۸۰) و تعاریف دیگری مانند: «ترک کسب و کار» (شبیر، ۱۳۷۴، ص. ۲۷۶)، «واگذاری تمام امور به مالکش» (انصاری، ۱۳۸۵، متن ۲۷؛ انصاری، ۱۳۸۵، شرح ۹۴)، «بریدن از غیرخدا» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۴۹۳) نیز وجود دارد که هر کدام بر پایه مباحث عرفانی، لغوی یا تعریف به لوازم توکل سعی در ارائه تعریفی از آن داشته‌اند. برخی از بزرگان اخلاق نیز بحث در مفهوم توکل را لازم ندانستند و از آن عبور کردند (خمینی، ۱۳۸۷، صص. ۲۱۴-۲۱۵).

۴-۱-۲. حیات طیبه

حیات واژه‌ای از ریشه عربی «ح.ی.ی» (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص. ۳۵۰) به معنای زندگی و زندگانی است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۶۰۵؛ انوری، ۱۳۸۲، ص. ۲۶۰۴). طیبیه نیز از ریشه عربی «ط.ی.ب» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص. ۴۶۱) مؤنث طیب به معنی پاک و پاکیزه است (انوری، ۱۳۸۲، ص. ۴۹۲۰؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۱۰۳۴).

این اصطلاح مکرراً در سند تحول بنیادین آمده است^۱ (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) و در بند ۱ سیاست‌های کلی تحول آموزش و پرورش ابلاغیه امام خامنه‌ای جهت این تحول «رسیدن به حیات طیبه» عنوان شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

این اصطلاح بر اساس کلیات سند تحول چنین تعریف می‌شود: «وضع مطلوب زندگی بشر در همه ابعاد و مراتب، بر اساس نظام معیار اسلامی (مبانی و ارزش‌های مقبول دین الهی) است که تحقق آن باعث دستیابی به غایت زندگی یعنی قرب الی‌الله خواهد شد. این‌گونه زندگانی مستلزم ارتباط آگاهانه و اختیاری باحقیقت هستی و تشدید رابطه با او در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی است که باید بر اساس انتخاب و التزام آگاهانه و آزادانه نظام معیار مناسب با دین اسلام باشد» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

۴-۲. مبانی نظری

مبانی نظری در این نوشتار برخی مبانی تربیتی مرتبط با خداآوری است که از بخش اول مبانی نظری سند تحول برگرفته شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

۴-۲-۱. ابزار متعدد شناخت

انسان دارای ابزار متعددی برای شناخت است که این ابزار مکمل یکدیگرند و برای رسیدن به شناخت جامع از واقعیات و جهان باید از همه آنها بهره گرفت که عبارت‌اند از: حواس ظاهری و باطنی، عقل، شهود و مکاشفه، وحی و الهام که مبانی

۱. مقدمه؛ فصل ۳ بیانیه مأموریت؛ فصل ۴ بند ۱ مدرسه در افق چشم‌انداز؛ فصل ۶ راهبردهای کلان بند ۱۵؛ فصل ۷ راهکار ۱ بند ۱؛ فصل ۷ راهکار ۷ بند ۱.

نظری سند تحول بنیادین به‌طور گسترده به توضیح و تبیین آن پرداخته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۸۲).

۴-۲-۲. انسان دارای فطرتی الهی است

فطرت الهی انسان با اراده‌اش شکوفا می‌شود یا به فراموشی سپرده می‌شود. این فطرت زمینه بسیار مساعدی برای جهت‌دهی به شناخت‌ها و گرایش‌ها و اعمال است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷).

۴-۲-۳. انسان همواره در حال شدن و دگرگونی است

انسان همواره به اختیار خودش می‌تواند در جهت صعود یا سقوط حرکت کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷).

۴-۲-۴. توان شناخت جهان هستی و ابعاد آن

انسان می‌تواند نسبت به جهان هستی شناخت پیدا کند و ابعاد مختلف آن را بشناسد. این شناخت نسبت به حقایق هستی و همه مراتبش به‌واسطه عقل و با کسب علوم حقیقی و اعتباری به‌دست می‌آید (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۸).

۴-۲-۵. تحقق توحید ربوبی شرط اصلی رسیدن به غایت زندگی

نزدیکی به خدا (قرب الی‌الله) مصداق کامل غایت زندگی انسان است که دستیابی به این غایت مشروط بر تحقق توحید ربوبی در همه ابعاد زندگی است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۰-۱۲۱).

۵. روش پژوهش

این نوشتار در سال ۱۴۰۲ با روش تحقیق کیفی در شاخه توصیفی - تحلیلی به روش متن‌محور برپایه آیات قرآن کریم و روایات نگاشته شده است. همچنین مقاله

پیش‌رو در تحلیل‌های متنی از روش تحقیق اجتهادی در فقه تربیتی (اعرافی، ۱۳۹۱) بهره گرفته و منطبق با به‌روزترین ضوابط استنباط فقهی به بررسی مسئله و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. در این روش از قواعد خاص ظهورگیری از الفاظ آیات و روایات استفاده شده که در علم اصول فقه تبیین شده است (مظفر، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص. ۹۳؛ صدر، ۱۴۲۳ق، ص. ۱۷۹) همچنین با کمک تفاسیر قرآن کریم (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲) و تحلیل آیات و روایات با بندهای مرتبط با سند پیوند داده شده است.

بخشی از یافته‌های این نگاشته ابتدا درباره زمینه‌های رشد و تقویت توکل به رشته تحریر درآمد که با روش استنباط فقهی مبتنی بر ظهورگیری از آیات و روایات و تحلیل متن آنها پیش رفته است. سپس با بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تطابق و ارتباط عمیقی که میان اهداف و بندهای مختلف این سند با زمینه‌های توکل وجود داشت، این مقاله نگاشته شد.

۶. یافته‌های پژوهش

این قسمت به دنبال یافتن عناصر کلیدی در خداباوری و توکل در حیات طیبه است. بر این اساس بندهای مختلف سند تحول و سیاست‌های کلی در ارتباط با این عناصر بررسی می‌شود و با آیات و روایاتی که این عناصر از آنها به‌دست می‌آید، تطبیق داده می‌شود. طبق یافته‌ها چهار عنصر کلیدی به‌دست آمد که منطبق با سند تحول بنیادین و سیاست‌های کلی ابلاغی امام خامنه‌ای قرار گرفت. این چهار عنصر در ادامه می‌آید.

۱-۶. شناخت پروردگار

از نکاتی که در سند تحول و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری بسیار بر آن تأکید شده است، رشد و ارتقای باور به توحید ارزش‌های اسلامی و انقلابی است. در بند اول از پنجمین سیاست کلی در ابلاغیه امام خامنه‌ای بر اهتمام ویژه مسئولان تعلیم و تربیت بر ارتقای معرفت و بصیرت دینی و معنوی دانش‌آموزان و معلمان تأکید شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲) که گام مهم در تحقق این امر شناخت پروردگار است.

در سند تحول بنیادین نیز در موارد متعددی به رشد باور به خدا توحید و برخی صفات بارز الهی اشاره شده است: در نهمین گزاره از گزاره‌های ارزشی در بیانیه

ارزش‌ها به کسب فضائل اخلاقی از جمله ایمان تقوا عمل صالح اشاره شده است. همچنین در ششمین گزاره به هویت شناخت‌مداری انسان تأکید شده که با خداآوری ارتباطی تنگاتنگ دارد و مبنای آن به‌شمار می‌رود و در هشتمین گزاره به بصیرت و تعالی در زمینه اعتقادی تأکید شده است که خداآوری و اعتقاد به توحید و صفات الهی در این زمینه جای دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

از جمله موارد دیگری که در سند بر شناخت پروردگار و تقویت خداآوری دلالت دارد بند ۱ هدف‌های کلان است که تربیت انسانی مؤمن و موحد را از اهداف کلان این تحول برشمرده است. تأکید ویژه بر این هدف در اهداف عملیاتی و راهکارها در فصل هفتم راهکار ۲-۸ اشاره شده است: «تقویت معرفت و باور به معارف الهی به ویژه اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش‌آموزان» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). شناخت پروردگار بخشی معارف حقه دین است که با ارائه شناختی درست و مبتنی بر آموزه‌های قرآن و روایات سبب تقویت و رشد خداآوری و اعتقاد به توحید و صفات الهی در متربیان خواهد شد.

در آموزه‌های قرآنی در آیات توکل آنچه بسیار به چشم می‌خورد، توجه دادن به صفات باری تعالی برای شناساندن پروردگار به مخاطب است. سؤالی که در مواجهه با این نکته به ذهن می‌آید این است که آیا این همراه‌سازی شناساندن پروردگار با توکل، در قرآن کریم حاوی نکته خاصی است یا نکته خاصی دربر ندارد؟ بدون تردید در قرآن کریم اسرار بی‌شماری نهفته است که نباید به سادگی از آن عبور کرد. لذا به نظر می‌رسد این همراهی و مقارنت ممکن است برای بیان نوعی ارتباط میان آنها و با شناخت پروردگار است.

برای رسیدن به پاسخ باید در آیات قرآن دقت و تأمل شود تا شاید به برخی از ظرایف و نکات ناب برای پاسخ به این سؤال دست یافت. در ادامه به برخی از این آیات اشاره می‌شود؛ آیاتی که میان توکل و صفات باری تعالی نوعی همراهی و ارتباط برقرار شده است. نکته مهمی که می‌توان از این همراهی برداشت کرد این است که وقتی شناخت پروردگار حاصل شد، تکیه و توکل بر او نیز به دنبالش می‌آید؛ لذا شناختی که به توکل بر خدا منجر نشود، بی‌فایده و چه‌بسا شناخت حقیقی و درست نباشد.

در ادامه آیاتی بررسی می‌شود که شناختی از پروردگار و صفاتش ارائه داده است

و بر توکل بر خدا نیز دستور می‌دهد.

۶-۱-۱. قدرت الهی و تکیه بر او

در آیات متعددی (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص. ۵۶ و ج ۳، ص. ۱۲۲) از جمله دو آیه شریفه پیش‌رو قدرت و قهارت پروردگار معرفی شده است. کسی یارای مقابله با قدرت پروردگار ندارد و اراده خداوند متعال همیشه جاری است. با شناخت قدرت پروردگار انسان برای بهره‌مندی از این قدرت بر خدا توکل می‌کند که در آیات شریفه نیز بر آن دستور داده شده است.

آیه اول: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۳، ص. ۱۶۰).

بر اساس آیه شریفه نصرت الهی سبب عدم غلبه دیگران بر انسان متوکل می‌شود و خذلان الهی نیز سبب بی‌اثری یاری دیگران می‌شود؛ لذا با وجود نصرت الهی انسان مغلوب احدی نمی‌شود و در صورت گرفتارشدن به خذلان الهی احدی توان یاری انسان را ندارد. در نتیجه نصرت الهی حاکم در همه امور و محور تدابیر عالم است. آیه شریفه در سیاق آیه پیش از خود به کار رفته است که درباره مشورت و عزم بر کارها و توکل بر خداوند متعال است. در این آیه شریفه با اشاره به این حقیقت که قدرت الهی در همه کارها سیطره دارد، مخاطب را به این صفت الهی توجه می‌دهد.

آیه شریفه دو جمله شرطیه آورده است که یکی معکوس دیگری است. به عبارت دیگر جمله شرطیه دوم تصریح به مفهوم شرطیه اول است؛ یعنی اگر جمله شرطیه دوم نمی‌آمد، مضمون آن از مفهوم جمله شرطیه اول استفاده می‌شد؛ اما خداوند متعال با تصریح به آن هرگونه تردیدی را از مضمون آن دور کرده است و تأکید ویژه‌ای بر این مضمون دارد.

بیان این جمله در سیاق توکل و میان دو دستور به توکل نشان‌دهنده ارتباط میان آن دو است. این تأکید خاص بر مضمون قدرت الهی و همچنین ارتباط آن با توکل نشان از نقش ویژه و اساسی ایمان و توجه به این صفت در توکل دارد؛ بنابراین می‌توان از آیه شریفه چنین استفاده کرد که زمینه اساسی توکل به خداوند، قدرت الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص. ۱۵۰).

آیه دوم: «وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ

رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۳۹، ص. ۳۸).

بر اساس این آیه شریفه اراده الهی حاکم بر تمام اراده‌ها و قدرت‌ها است. به لحاظ مراتب صدور فعل، اراده پیش از قدرت است و چه بسا ممکن است اراده بر انجام فعلی باشد، ولی قدرت بر انجام آن نباشد یا مانعی وجود داشته باشد که سرانجام فعل صادر نشود. در اینجا می‌فرماید، هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع اراده الهی شود؛ یعنی اراده الهی حاکم بر تمام قدرت‌ها و اراده‌ها است. وقتی همه مقهور اراده الهی باشند و نتوانند مانع از تحقق آن شوند، به طریق اولی چیزی مانع از قدرت الهی نمی‌تواند باشد.

تمام این بحث مبتنی بر آن است که مراد از «اراده» را همان معنای مصطلح در مبادی صدور فعل بدانیم (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص. ۲۵۱)؛ وگرنه با توجه به قرائن موجود در آیه شریفه، مراد از «اراده» در اینجا همان قدرت مطلقه الهی است (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۳۶، ص. ۸۲)، در این صورت دلالت آن بر صفت قدرت و اقتدار الهی بلاشکال است.

در خصوص ارتباط آن با توکل نیز ممکن است صرف بیان این نکته پیش از توکل نوعی توجه دادن به این صفت الهی باشد؛ چراکه پس از بیان این صفت قدرت مطلقه و قهاریت اراده الهی، با این تعبیر شدید و محکم بلافاصله دستور به توکل می‌دهد. به همین دلیل می‌توان گفت این دستور ناظر به این صفت باری تعالی صادر شده است و زمینه خداآوری و توکل بر او به‌شمار می‌رود. انکار هرگونه ارتباط و سببیتی میان دستور به توکل با این صفت در آیه شریفه، قدری مشکل است.

۶-۱-۲. ربوبیت خداوند

ربوبیت پروردگار صفت دیگری است که در آیات متعددی (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۴۲، ص. ۱۰؛ ج ۸، ص. ۲ و ج ۱۷، ص. ۶۵) به همراه توکل آمده و به ارائه شناختی از خداوند متعال و توصیه به توکل بر او می‌پردازد:

آیه اول: «قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۱۳، ص. ۳۰).

در این آیه شریفه، پیش از توکل، به صفت ربوبیت خداوند و یکتایی او اشاره شده است. در واقع ابتدا خدا را به ربوبیت و یکتایی توصیف می‌کند، سپس بر چنین خدایی با چنین صفتی توکل می‌کند. این نحوه همراهی به‌صورت ترتیب توکل بر صفت خاصی از صفات باری تعالی می‌تواند بیانگر این نکته باشد که توجه به این

صفت زمینه ایجاد و تقویت توکل است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص. ۳۵۸).
 آیه دوم: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ... إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (قرآن،
 ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص. ۵۶).

شناختی از این آیه شریفه درباره خدا به دست می‌آید این است که خداوند متعال پروردگار و پرورش‌دهنده همه انسان‌ها است. در این آیه شریفه با تکرار واژه «رَبِّ» تأکید خاصی بر صفت ربوبیت شده است. بلافاصله پس از توکل، دو مرتبه صفت ربوبیت آمده است. و در پایان آیه نیز برای بار سوم این واژه تکرار شده است؛ لذا توجه دادن به صفت ربوبیت در این آیه شریفه واضح است.

این آیه شریفه بر خلاف آیه قبل ارتباط میان ربوبیت و توکل را به صورت تقدم و ترتب و علت بیان نکرده است؛ لذا از این جهت ظهوری در ترتب ندارد؛ اما تکرار آن نکته قابل تأملی است که نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد. کمترین نکته‌ای که از این تکرار استفاده می‌شود، آگاهی دادن به گونه‌ای از ارتباط میان توکل با صفت ربوبیت است که کمترین نوع ارتباط میان آن دو می‌تواند ارتباط اثرگذاری و اثرپذیری است؛ خصوصاً اگر آیه قبل را نیز قرینه‌ای برای تشخیص نوع ارتباط (میان توکل و صفت ربوبیت) در این آیه بدانیم.

گویی آیه چنین می‌گوید که چون خداوند متعال پروردگار من و شما است، بر او توکل می‌کنم و امور را به او واگذار می‌کنم. این نحوه توصیف پروردگار، هنگام واگذاری کارها به او می‌تواند گویای این نکته باشد که برای توجه به این صفت اثر مستقیمی در توکل وجود دارد.

اگر این اثرگذاری و اثرپذیری در خصوص این صفت پذیرفته شود، نگاه می‌توان مدعی شد که توجه به صفت ربوبیت الهی، زمینه بسیار مهم و مؤثری برای رشد و تقویت توکل و خداآوری در انسان خواهد بود.

۶-۱-۳. عزت، علم و رحمت الهی

اولین شاهد این قسمت، آیه شریفه «إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ» *
 تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۲۷، صص. ۷۸-۷۹).

در این آیه شریفه پروردگار متعال با دو صفت عزت و علم معرفی شده و پس از آن با «فاء تفریع» دستور توکل را بر آن صفات مترتب ساخته است. حرف «فاء» در اینجا ظهور در تفریع دارد؛ یعنی دستور توکل متفرع از آن صفات الهی و مترتب بر

آنها است؛ لذا از بیان آیه شریفه به قرینه «فاء» تفریع می‌توان چنین استفاده کرد که آن صفات مذکور، در توکل و واگذاری امور به خداوند تأثیر دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص. ۳۹۰؛ نهایندی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص. ۵۹۲؛ جمل، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص. ۴۶۲). در تجزیه و ترکیب آیه شریفه نیز به این مطلب اشاره شده است: «الفاء الفصیحه لأنها تفریع علی قوله العزیز العلیم أی ان عرفت هذه الصفات لله تعالی و امنیت بها فتوکل» (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص. ۲۵۵).

دومین شاهد این قسمت آیه شریفه پیش‌رو است که در آن خداوند متعال با دو صفت عزت و رحمت الهی معرفی شده و همراه با دستور توکل آمده است: «وَوَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۲۶، ص. ۲۱۷) در این آیه شریفه توکل به‌صورت مستقیم معلق بر وصف «عزیز» و «رحیم» شده است.

در این آیه شریفه توکل به‌طور مستقیم به صفت «عزت» و «رحمت» تعلق گرفته است که ظهور در ارتباط و توقف میان آنها دارد؛ لذا این آیه شریفه مخاطبان خود را به‌صورت واضح تری نسبت به آیات قبل به صفت عزت و رحمت توجه می‌دهد. همچنین آیه شریفه «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۸، ص. ۴۹) مشابه آیه قبل و در آن سیاق به‌شمار می‌رود. پس بر اساس این آیات شریفه به نظر می‌رسد که یکی از راه‌های رشد و تقویت توکل و خداآوری، توجه کردن به صفات عزت، علم و رحمت الهی است.

۴-۱-۶. دیگر صفات و ویژگی‌های الهی

صفات و ویژگی‌های دیگری نیز در آیات آمده است که برای پرهیز از طولانی شدن نوشته تنها از آنها نام برده می‌شود. برخی از این صفات عبارت‌اند از: علم الهی (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۲۷، صص. ۷۸-۷۹؛ قرآن، ۱۳۹۸، ج ۸، ص. ۶۱)؛ گستره علم الهی (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۷، ص. ۸۹)؛ رحمت الهی (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۶۷، ص. ۲۹ و ج ۲۶، ص. ۲۱۷)؛ حی سرمدی (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۲۵، ص. ۵۸)؛ خداوند نقطه بازگشت همگان (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۱۱، ص. ۱۲۳؛ ج ۴۲، ص. ۱۰ و قرآن، ۱۳۹۸، ج ۱۳، ص. ۳۰).

۵-۱-۶. راهکارهای عملیاتی برای عنصر شناخت پروردگار در خداآوری

مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی برای تحقق این عنصر در متری که در سند تحول نیز بر آن تأکید شده عبارت است از:

- ۱- به کارگیری مشارکت دانش‌آموزان برای تشکیل دفترک‌ها یا نشریاتی با موضوعات اسلامی از جمله شناخت پرورگار؛
- ۲- تقویت انس با قرآن و آموزش مفاهیم کلیدی آن به متریبان در زمینه شناخت پرورگار (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، راهکار ۱-۳)؛
- ۳- بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی با رویکرد تعمیق شناخت پروردگار و مفاهیم توحیدی (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، راهکار ۲-۱)؛
- ۴- برگزاری اردوهای مختلف طبیعت‌گردی (کوه، جنگل، دریا، ستاره‌شناسی و...) با رویکرد آشنایی با مظاهر آفرینش پروردگار و شناخت او.

۲-۶. تقویت ایمان

در سیاست‌های کلی ابلاغی امام خامنه‌ای تقویت ایمان از موارد متعددی برداشت می‌شود از جمله در بند ۱ این سیاست‌ها به تربیت انسان‌های مؤمن اشاره شده و نیز در بند ۵ به رشد و تعالی معنوی معلمان و دانش‌آموزان و ارتقای معنوی خانواده‌ها اشاره شده است که هر دو مورد با تقویت ایمان میسر خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). در سند تحول نیز در موارد متعددی بر تقویت ایمان تأکید شده است از جمله در بند ۹ از بیانیه ارزش‌ها به کسب فضایل اخلاقی از جمله ایمان اشاره شده و در بند ۴ راهکار دوم از راهکارهای علم‌یاتی به تقویت ایمان تصریح شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

مشتقات ایمان در آیات فراوانی آمده است که بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست و در این نوشته کوتاه مجال بررسی آنها وجود ندارد؛ اما با توجه به آنکه ایمان رابطه تنگاتنگی با توکل دارد و این نوشتار علاوه بر خداباوری به توکل بر خدا نیز تأکید دارد، آیاتی که بین این دو عنصر مهم (ایمان و توکل) رابطه برقرار می‌کند بررسی می‌شود. بررسی آیات شریفه قرآن کریم این رابطه تنگاتنگ میان ایمان و توکل را تأیید می‌کند به طوری که هر چقدر ایمان شخص قوی می‌شود، توکل او نیز بالا می‌رود و قوت می‌یابد.

آیه اول: «وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۵، ص. ۲۳).

در این بخش از آیه شریفه جمله به صورت شرطیه آمده است. واژه «إِن» ادات شرط و جمله، شرطیه است. جمله شرطیه این معنا را می‌رساند که جمله جزا مترتب بر

جمله شرط است؛ به عبارت دیگر برای تحقق جمله «جزا» باید جمله شرط محقق شود؛ برای مثال در جمله «إِنْ جَاءَ عَلِيٌّ فَأَنَا أَكْرَمُهُ» وقتی اکرام محقق می‌شود که آمدن (مجيء) علی محقق شود.

جمله شرطیه در این آیه شریفه نیز به این معنی است که هرگاه ایمان محقق باشد، توکل واجب و ضروری می‌شود؛ البته این عبارت آیه شریفه درصدد بیان شروط توکل نیست و مفهوم مخالف ندارد (چون شرط محقق موضوع است) تا چنین نتیجه بگیریم که اگر ایمان نداشتید، پس توکل نکنید. مراد اصلی و ظهور آیه شریفه در بیان صداقت در ایمان است؛ یعنی اگر در ایمان خود صادق هستید، از دشمن‌هراسی نداشته باشید و به خدا توکل کنید.

بنابراین آیه شریفه برای امتحان مؤمنین در صدق ایمانشان است؛ لذا معنای آیه شریفه باید به نحو علیت و سببیت باشد، به این معنی که ایمان سبب توکل است. به عبارت دیگر ایمان راستین، به وجودآورنده موضوع توکل است و سرانجام ایمان حقیقی باید به توکل راستین ختم شود. (سبزواری در تفسیر مواهب الرحمن به این نکته اشاره دارد؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص. ۱۳۵).

آیه دوم: در آیه اول با تک آیه مواجه بودیم؛ اما در اینجا عبارت شاهد در آیات متعددی قرار دارد که در مجموع، طایفه‌ای از آیات را تشکیل می‌دهد. فقره محل استشهاد عبارت است از: «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» که در آیات متعددی از قرآن کریم تکرار شده است. (آل عمران / آیات ۱۲۲ و ۱۶۰؛ مائده / آیه ۱۱؛ توبه / آیه ۵۱؛ ابراهیم / آیه ۱۱؛ مجادله / آیه ۱۰؛ تغابن / آیه ۱۳) (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۳، ص. ۱۲۲؛ ج ۳، ص. ۱۶۰؛ ج ۵، ص. ۱۱؛ ج ۹، ص. ۵۱؛ ج ۱۴، ص. ۱۱؛ ج ۵۸، ص. ۱۰؛ ج ۶۴، ص. ۱۳).

در این عبارت موضوع دستور توکل، عنوان «المؤمنون» است. دستور توکل به افراد با ایمان تعلق گرفته است. لحاظ عنوان ایمان در موضوع حکم، به معنی موضوعیت داشتن آن است. معنای این عبارت چنین است: «افراد با ایمان باید بر خداوند توکل کنند»؛ بنابراین مطابق این عبارت عنوان ایمان سبب فعلیت وجوب توکل بر ذمه مکلف است. مترتب کردن دستور توکل بر عنوان ایمان، می‌تواند به معنی اثر ایمان در توکل باشد. هرچه سبب قوی‌تر باشد و در مراتب بالاتر قرار گیرد، مسبب نیز تقویت می‌شود. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۱۲ و ۱۵).

بر اساس عبارت مشترک در این آیات شریفه، توکل از ایمان سرچشمه می‌گیرد. پس برای تقویت خداآوری و توکل بر خدا باید ایمان شخص تقویت شود.

۶-۲-۱. راهکارهای عملیاتی برای عنصر تقویت ایمان در خداباوری

- مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی برای تحقق این عنصر در مرتبه عبارت است از:
- ۱- توسعه فرهنگ اقامه نماز با برپایی نماز جماعت و شرکت مربیان، معلمان و مسئولان مدرسه یا آموزشگاه (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، راهکار ۱-۳)؛
 - ۲- گسترش مراسم‌های شادی و عزا در مناسبت‌های مذهبی و برگزاری محافل دعا و توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام) و همچنین افطاری دادن در ماه مبارک رمضان. استمرار این قبیل مجالس سبب اثرپذیری قلوب کودکان و نوجوانان در جهت تقویت ایمان خواهد شد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، راهکار ۲-۲)؛
 - ۳- اردوهای مختلف زیارتی، زیارت قبور ائمه یا امامزادگان واجب‌التعظیم در شهر محل مدرسه و تربیت (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، راهکار ۲-۸)؛
 - ۴- برگزاری محافل انس با شهدا در کنار قبور شهدا یا میزبانی مدارس از اجساد مطهر شهدا و برگزاری مراسم وداع. با هدف آشنایی و توسل به شهدا که سبب الگوگیری از آنها و تقویت ایمانشان خواهد شد.

۶-۳. باورمندی به ذات باری تعالی و امید بستن به دیگران

- بر اساس روایاتی که از امید بستن به غیر خدا نهی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۶۶) - که در ادامه نیز برخی روایاتش می‌آید - هر امیددی به غیر خدا محکوم به شکست خواهد بود و اگر به خدا امید و باور داشته باشد، پیروزی رشد و پیشرفت نصیب چنین شخصی خواهد شد؛ حتی اگر آسمان‌ها و زمین در کارش گره و مشکل ایجاد کنند. از جمله مسائل مهمی که در سند تحول بنیادین بر آن تأکید شده، رشد و تعالی خود، خانواده و جامعه است^۱ که بر اساس معارف اسلامی این مهم جز در گرو امید به خدا حاصل نخواهد شد.
- همچنین خودباوری نیز از نکاتی است که در موارد متعددی در سند تحول و

۱. در سند تحول بنیادین: بند ۲۶ بیانیه ارزش‌ها؛ مدرسه در افق چشم‌انداز؛ بند ۲ هدف‌های کلان؛ راهکار ۸ هدف‌های عملیاتی و راهکارها (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

سیاست‌های کلی ابلاغیه امام خامنه‌ای بر آن تأکید شده است.^۱ خودباوری نیز با ناامیدی از دیگران و امید و باور به خدا رابطه تنگاتنگی دارد. زمانی انسان به خودباوری می‌رسد که از دیگران قطع امید کند و روی پای خود بایستد؛ در این حالت حتی کمک دیگران را نیز در راستای تقویت توانمندی خود به کار می‌گیرد. هرچه انسان از دیگران قطع امید کند باعث می‌شود با توکل به خدا و تکیه بر توانمندی خویش برای پیشرفت زندگی خود تلاش کند و به خودباوری دست یابد. در ارتباط با این زمینه روایات متعددی وجود دارد که به دو روایت در اینجا اشاره می‌شود:

روایت اول: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ دَاوُدَ (عليه السلام) مَا اعْتَصَمَ بِي عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي دُونَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَبِيَّتِهِ ثُمَّ تَكِيدُهُ^۲ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ إِلَّا جَعَلْتُ لَهُ الْمَخْرَجَ مِنْ بَيْنِهِنَّ وَمَا اعْتَصَمَ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِأَحَدٍ مِنَ خَلْقِي عَرَفْتُ ذَلِكَ مِنْ نَبِيَّتِهِ إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ يَدَيْهِ وَأَسَخْتُ الْأَرْضَ مِنْ تَحْتِهِ وَلَمْ أَبَالِ بِأَيِّ وَادٍ هَلَكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۶۳).

بر اساس این روایت اعتصام و دل بستگی به خدا سبب گشایش امور شده و هیچ راه مسدودی برای انسان نمی‌ماند؛ درمقابل نیز اگر به غیر خدا امید داشته باشد خداوند تمام راه‌ها را به روی او می‌بندد و او دچار حیران و سرگردانی می‌شود. در نتیجه برای پیشرفت امور و رشد در هر زمینه‌ای یکی از مسائل مهم امید داشتن به خدای متعال است. با باور به او مسیر هموار می‌شود و پیروزی نصیب این شخص، گروه و جامعه خواهد بود.

روایت دوم: «...فَقُلْتُ وَمَا التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۶۱).

روایت دوم درباره توکل و ناامیدی از دیگران است. حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از جبرئیل درباره حقیقت توکل می‌پرسد و حضرت جبرئیل

۱. بند ۱ سیاست‌های کلی ابلاغی امام خامنه‌ای (خامنه‌ای، ۱۳۹۲) و در سند تحول نیز بند ۹ بیانیه ارزش‌ها؛ بند ۱ چشم‌انداز و بند ۱ هدف‌های کلان (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) به خودباوری اشاره شده است.

۲. به معنی کید و مکر و حيله (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۴۶۳).

در پاسخ حقیقت مصداقی و روش عملی رسیدن به آن را بیان می‌کند. بر اساس این روایت حقیقت توکل چیزی جز دل بردن از مخلوقان نیست. تحقق کامل ناامیدی از غیر خدا انسان را به توکل می‌رساند؛ موجب تحقق توکل می‌شود. به عبارت دیگر اگر انسان بخواهد توکل را در خود ایجاد یا تقویت کند باید از مخلوقان ناامید شود و بداند که از آنها کاری ساخته نیست.

بنابراین این دو روایت شریف یکی در مقام بیان یک مسئله راهبردی در خصوص حال امیدوار به خدا و امیدوار به غیرخدا است و دیگری در مقام بیان حقیقت و تعریف توکل است و روش عملی رسیدن به آن را بیان می‌کند. گویا اگر ناامیدی از مخلوقین حاصل شود، همانجا محل تحقق توکل و گشایش امور و رشد و تعالی است. پس برای رشد و تقویت خداباوری و توکل بر او باید ناامیدی از خلق محقق شود و تقویت یابد.

نکته: ناامیدی از مخلوقات با قدرت خداوند متعال که در زمینه اول مطرح شد، رابطه تضاییفی دارند و مکمل یکدیگر به‌شمار می‌روند؛ یعنی علاوه بر آنکه هر دو زمینه مستقل محسوب می‌شوند ترکیب این دو زمینه و کنار هم قرار گرفتن آنها نیز زمینه دیگری را تشکیل می‌دهد. این زمینه ترکیبی جدید به‌دلیل جمع ویژگی هر دو زمینه در خود، تقویت یافته و قوی‌تر و مؤثرتر عمل می‌کند.

۳-۱-۶. راهکارهای عملیاتی برای عنصر باور به خدا و ناامیدی از دیگران در خداباوری

مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی برای تحقق این عنصر در مرتبه عبارت است از:

- ۱- یادآوری ضعف‌های انسان و قدرت پرورگار در کتب درسی و توسط معلمان در بین دروسی مانند شیمی و فیزیک (سلیمانی، ۱۳۹۲، صص. ۶-۹؛ رجبی، ۱۳۹۸، صص. ۴۲)؛
- ۲- افزایش یاد مرگ در بین متریبان نوجوان با پرهیز از افراط (کریمی، ۱۳۸۴، صص. ۳۷؛ عشوری و ماهرزاده، ۱۳۹۶)؛
- ۳- عیادت از بیماران و مراکز توانبخشی با هدف پی‌بردن به ضعف‌های انسان و نعمت سلامتی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، صص. ۱۳۹-۱۴۲).

۴-۶. حق‌مداری و استقامت بر آن

تربیت انسانی حقیقت‌جو یکی از اهداف مهم تحول آموزش و پرورش است که در بند

۱ هدف‌های کلان سند تحول (شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) و در بند ۱ سیاست‌های کلی (خامنهای، ۱۳۹۲) آمده است. بر اساس یافته‌های قرآنی حق‌مداری سبب خداآوری و توکل بر خدا می‌شود. در قرآن کریم در آیه شریفه پیش‌رو بر حق‌بودن پیامبر اشاره شده و ایشان را بر توکل به خدا دستور می‌دهد: «فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۲۷، ص. ۷۹) در این آیه شریفه ابتدا امر به توکل می‌کند؛ سپس بلافاصله می‌فرماید قطعاً تو بر حقانیت آشکار هستی که به حقانیت راه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل ایمان، اشاره دارد.

بسیاری از تفاسیر درباره این آیه شریفه تصریح کردند که این عبارت تعلیل برای توکل است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص. ۲۰۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص. ۵۸۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، ص. ۱۲۳)؛ تفاسیر اهل سنت: (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۳۸۳؛ پانی‌پتی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص. ۱۳۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص. ۲۳۰) همچنین از منظر ادبیات عرب، این عبارت جمله اسمیه است که محلی از اعراب ندارد و تعلیل برای توکل محسوب می‌شود (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص. ۲۵۵؛ دعاس، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص. ۴۱)؛ لذا به نظر می‌رسد این جمله در تعلیل، ظهور دارد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که عبارت «إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ» در واقع در مقام بیان علت توکل و واگذاری امور به خداوند متعال است؛ به این بیان که وقتی انسان بر صراط مستقیم و راه حق قرار دارد، باید امور خود را به خداوند متعال واگذارد؛ لذا بر اساس آیه شریفه حقانیت راه خود، زمینه برای توکل به‌شمار می‌رود. احتمالی که ممکن است به وجه دلالت این آیه شریفه خدشه وارد سازد اختصاص آن به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ چراکه آیه خطاب مستقیم به وجود مبارک رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ لذا ممکن است تصور شود که این آیه از مختصات نبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ اما اصل عدم اختصاص^۱ است.

۱. در مجموع پنج دلیل برای تعمیم این‌گونه آیات برای عموم مردم وجود دارد: ۱- قاعده تأسی مستفاد از آیه «لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة» (قرآن، ۱۳۹۸، ج ۳۳، ص. ۲۱)؛ ۲- تنقیح مناط؛ ۳- الغاء خصوصیت؛ ۴- روایاتی که علماء را وارثان انبیاء: معرفی می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۳۲ و ج ۱، ص. ۳۴)؛ ۵- روایاتی که علماء را جانشین ائمه (علیهم‌السلام) بیان می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۶۷؛ رک: اعرافی، ۱۳۹۲، جلسه ۴۱-۴۲؛ اعرافی، ۱۳۹۵، جلسه ۱۹۸-۱۹۹).

۴-۱-۴. راهکارهای عملیاتی برای عنصر حق‌مداری و استقامت بر آن در خداباوری

مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی برای تحقق این عنصر در مرتبی عبارت است از:

- ۱- ترویج برخی صفات پسندیده اخلاقی مؤثر در حق‌مداری؛ مانند: صداقت و عمل به وعده، عدالت‌مداری و عدالت‌ورزی، بیزاری از افراد پست و کناره‌گیری از کارهای آنها، پرهیز از پرخوری، پُرحرفی و تنبلی (رمضانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷ و جزایری، ۱۳۸۲)؛
- ۲- ترویج فرهنگ حلال‌خوری و لقمه حلال (فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص. ۹۵ و اسکافی، ۱۴۰۴ق، ص. ۷۵)؛
- ۳- پشتیبانی از متربیان حق‌مدار و تشویق حق‌مداری آنها (جوادی آملی، ۱۳۷۸، صص. ۸۷-۸۸)؛
- ۴- اقتناع دانش‌آموزان و متربیان نوجوان در امور مختلف و تغییرات برنامه‌های آموزشی و پرهیز از ایجاد حس تحمیل و اجبار در ایشان (اعرافی، ۱۳۹۵، صص. ۲۵۱-۳۴۹؛ خلیفه، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

این نوشتار به دنبال یافتن مهم‌ترین عناصر کلیدی در خداباوری و توکل در حیات طیبه بود. پس از بررسی بندهای مختلف سند تحول بنیادین و سیاست‌های کلی ایجاد تحول در آموزش و پرورش ابلاغی امام خامنه‌ای با هدف تحقق اهداف آنها به آیات و روایات مرتبط با توکل مراجعه شد و پس از تحلیل و بررسی آنها با رویکرد فقهی - تربیتی یافته‌های مهمی به دست آمد. در ذیل هر یک از عناصر خداباوری راهکارهای عملیاتی متنوعی ارائه شد که در مدارس و محیط‌های تربیتی قابل اجرا است.

از مهم‌ترین یافته‌ها تبیین برخی از بندهای سند تحول و سیاست‌های کلی برپایه آیات و روایات است و همچنین ارائه راهکارهای رسیدن به حیات طیبه است که از بالاترین اهداف تعلیم و تربیت به‌شمار می‌رود. در این تحقیق چهار زمینه رشد و تقویت خداباوری و توکل به دست آمد که هر کدام با بندهای مرتبط با خداباوری و توکل در سند تحول و سیاست‌های کلی مطابقت داشت.

اولین زمینه‌ای که از آیات توکل به دست آمد، شناخت پروردگار با توجه به صفات

خاص خداوند متعال است. بدون شک گام مهم و مؤثر برای رشد و تقویت خداباوری شناخت پروردگار است که در سند تحول و سیاست‌های کلی بر آن تأکید شده است و مطابق یافته‌ها شناختی که به توکل و اعتماد به خدا نیانجامد بیهوده است. در همین راستا صفات قدرت، ربوبیت و علم، عزت، رحمت الهی بر اساس آیات قرآن تحلیل و اثر آن در رشد خداباوری و توکل در حیات طیبه تبیین شد.

دومین زمینه تقویت ایمان است که از آیات قرآن کریم استفاده شد. تقویت ایمان نیز در راستای تربیت انسان‌های مؤمن کاربرد دارد که در سند تحول و سیاست‌های کلی بر آن تأکید شده بود. بر اساس این روش توکل از ایمان سرچشمه می‌گیرد و هر مقدار که ایمان قوی‌تر و محکم‌تر باشد، توکل نیز تقویت می‌شود.

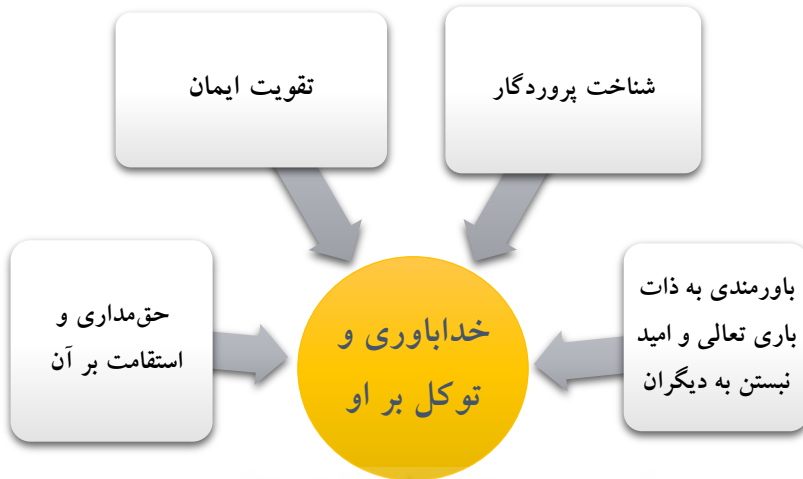
سومین زمینه باورمندی به ذات باری تعالی و امید نبستن به دیگران است. این عنصر بر قطع امید از دیگران تأکید داشت و توکل بر خداوند و تکیه بر تلاش‌های خود از آن استفاده شد که با موارد مختلفی در سند تحول و سیاست‌های کلی ارتباط داشت از جمله خودباوری و همچنین رشد و تعالی خود و جامعه که موارد متعددی در سند تحول و سیاست‌های کلی بر آن اشاره شده بود.

چهارمین زمینه حق‌مداری و استقامت بر آن است. تربیت انسان‌های حقیقت‌جو در سند تحول و سیاست‌های کلی تأکید شده و از اهداف تحول آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود و با این زمینه ارتباط و تطابق دارد. بر اساس این روش انسان وقتی به حقانیت مسیر خویش و تصمیم خود اطمینان داشته باشد و بر آن استقامت بورزد، در توکل خود نیز محکم‌تر و مطمئن‌تر خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی مسائل پیشنهادی

- ۱- بررسی راهکارهای کاهش آفت‌های تربیتی و پویایی دانش‌آموزان برای رسیدن به اهداف والای انسانی؛
- ۲- آسیب‌شناسی موانع اجرای سند تحول در مدارس و محیط‌های تربیتی با رویکرد ارائه راه‌حل؛
- ۳- بررسی اهداف سیاست‌های کلی خانواده و رابطه آن با زمینه‌های رشد و تقویت خداباوری و توکل بر او؛
- ۴- بررسی سیاست‌های کلی فضای مجازی و اسناد بالادستی مرتبط با آن در رابطه با این زمینه‌ها؛
- ۵- زمینه‌های پرورش خودباوری و عزت نفس در آیات و روایات بر اساس سند

تحول بنیادین.



شکل (۱): زمینه‌های خدا‌باوری و توکل

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۸). حسین انصاریان. قم: آیین دانش.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن عربی، محمد (بی تا). الفتوحات المکیه. بیروت: دارصادر.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). فقه تربیتی. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۲). درس فقه تربیتی. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵). خارج فقه، اجتهاد و تقلید. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
- اعرافی، علیرضا؛ خلیلی، احسان و موسوی، سیدنقی (۱۳۹۸). بررسی اکتساب توکل از منظر فقه الاخلاق. مطالعات فقه تربیتی، (۱۲)، ۷۵-۹۴.
- انصاری، عبدالله (۱۳۸۵). منازل السائرین (شرح کاشانی). قم: بیدار.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- الوسی، محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

- پانی پتی، ثناءالله (۱۴۱۲ق). *التفسیر المظهری*. کویته (پاکستان): مکتبه رشدیه.
- جمل، سلیمان (۱۴۲۷ق). *الفتوحات الإلهیه بتوضیح تفسیر الجلالین للدقائق الخفیه*. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). *سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش*: <https://khl.ink/f/22421>، صفحه تارنمای آیت‌الله خامنه‌ای.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۲). شرح حدیث «جنود عقل و جهل». قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۷). شرح *چهل حدیث*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).
- درویش، محی‌الدین (۱۴۱۵ق). *اعراب القرآن الکریم و بیانہ*. سوریه: الإرشاد.
- دعاس، احمد (۱۴۲۵ق). *اعراب القرآن الکریم*. دمشق: دار الفارابی للمعارف.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الکتب العربی.
- شبر، عبدالله (۱۳۷۴). *الأخلاق*. قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیه.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- صدر، محمدباقر (۱۴۲۳ق). *دروس فی علم الأصول؛ الحلقة الثالثه*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۸). *الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعه*. قم: مکتبه المصطفوی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تهران: مرتضوی.
- غزالی، محمد (بی تا). *إحیاء علوم الدین*. بیروت: دار الکتب العربی.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، محمد (۱۴۱۵ق). *القاموس المحیط*. لبنان: دار الکتب العلمیه.
- فیض کاشانی، محمد (۱۳۷۶). *المحججه البیضاء فی تهذیب الإحیاء*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

کاشانی، فتح‌الله (۱۴۲۳ق). زبده التفاسیر. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

مظاهری، حسین (۱۳۸۹). سیر و سلوک؛ مقدمه: سلوک معنوی در پرتو قرآن و عترت. قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء.

مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). اصول الفقه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: ادنا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن. بی‌جا: دفتر سماحه آیت‌الله العظمی السبزواری.

نراقی، احمد (۱۳۷۸). معراج السعاده. قم: مؤسسه انتشارات هجرت.

نراقی، مهدی (بی‌تا). جامع السعادات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

نهبانندی، محمد (۱۳۸۶). نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعته، مرکز الطباعه و النشر.

References

- Alosi, Mahmoud (1415). Ruh al-Ma'ani in Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya, Mohammad Ali Beyzoon's pamphlets.
- Ansari, Abdullah (1385). Houses of al-Saareen (Kashani description). Qom: Wake up.
- Anuri, Hassan (1382). Great speech culture. Tehran: Sokhn.
- Arafi, Alireza (2011). Educational jurisprudence. Qom: Ishraq and Irfan Institute.
- Arafi, Alireza (2012). Educational jurisprudence course. Qom: Ishraq and Irfan Institute.
- Arafi, Alireza (2015). Outside jurisprudence, ijthad and imitation. Qom: Ishraq and Irfan Institute.
- Arafi, Alireza; Khalili, Ehsan & Mousavi, Seyyednaqi (2018). Investigating the acquisition of trust from the perspective of

- jurisprudence and ethics. *Educational jurisprudence studies* 12, 75-94.
- Daas, Ahmed (1425). *Arabs of the Holy Quran*. Damascus: Dar al-Farabi for knowledge.
- Darvish, Mohiuddin (1415). *Arabs of the Holy Qur'an and Bayan*. Syria: Al-Irshad.
- Faiz Kashani, Mohammad (1376). *Al-Mahja Al-Bayda in Tahdeeb al-Ihaya*. Qom: Islamic Publishing House.
- Farahidi, Khalil (1409). *Kitab al-Ain Qom: Emigration Publishing*.
- Firozabadi, Mohammad. (1415). *Encyclopaedia of the environment*. Lebanon: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ghazali, Mohammad (Beta). *Revival of religious sciences*. Beirut: Dar al-Katb al-Arabi.
- Ibn Arabi, Muhammad. (Beta). *al-Mukki conquests*. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Babouyeh, Muhammad (1403). *Meanings of news*. Qom: Islamic publishing office affiliated with the community of teachers of Qom seminary.
- Imam Khamenei, Seyyed Ali (2012). *General policies of transformation in the education system*. Tehran: <https://khl.ink/f/22421> Ayatollah Khamenei's website.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1382). *Commentary on the hadith "Junoud Aql and Jahl."* Qom: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1387). *Description of forty hadiths*. Qom: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute.
- Jamal, Suleiman (1427). *Divine Al-Futuhath with explanation of Tafsir al-Jalalin for al-Daqayq al-Khufia*. Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya, Mohammad Ali Beyzoon's pamphlets.
- Kashani, Fathullah (1423). *Zubada al-Tafaseer*. Qom: Islamic Encyclopaedia Foundation.
- Khodayar, Dadkhoda & Ghaemi, Mehdi (2011). *A Quranic view on the educational functions of trust and its role in spiritual health*. *Medical ethics* (22), 55-92.
- Kilini, Mohammad (1407). *Al-Kafi* (A. Ghaffari, & M. Akhundi, Eds.) Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Makarem Shirazi, Naser (1371). *Sample interpretation*. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, Nasser (1377). *Ethics in the Qur'an*. Qom: Al-Imam Ali Bin Abi Talib School.
- Mazaheri, Hossein (1389). *behavior; Introduction: Spiritual conduct in the light of Quran and Atrat*. Qom: Al-Zahra Institute of Cultural Studies.
- Moin, Mohammad (1386). *Moein dictionary*. Tehran: Edna.
- Mousavi Sabzevari, Abdul Ali (1409). *The blessings of Rahman in the interpretation of the Qur'an*. Bibi: the office of Samaha Ayatollah Azami Al-Sabzwari.
- Muzaffar, Mohammadreza (1430). *Principles of jurisprudence*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute affiliated to Jama'ah al-Madrasin of Boqm.
- Nahavandi, Mohammad (1386). *Nafahat al-Rahman in Tafsir al-Qur'an*.

- Qom: Al-Baath Institute, Printing and Publishing Center.
- Naraghi, Ahmed (1378). Ascension of happiness Qom: Hijrat Publications Institute.
- Naraghi, Mehdi (Beta). Jame Al-Saadat Beirut: Al-Alami Institute for Press.
- Panipati, Sanaullah (1412). Al-Tafsir al-Ahnathani. Quetta (Pakistan): Rushdieh Library.
- Qomi Mashhadhi, Mohammad (1368). Tafsir of Kunz al-Daqeeq and Bahr al-Gharaeb. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. Printing and publishing organization.
- Sadr, Mohammad Bagher (1423). Lessons in Islamic science; The third episode. Qom: Jamal al-Fakr al-Islami.
- Sadrudin Shirazi, Mohammad (1368). Al-Hikmah al-Mutta'ali in al-Asfar al-Aqli al-Foureth. Qom: Al-Mustafawi School.
- Shabbar, Abdullah (1374). Al-Akhlaq Qom: Al Ghadir Center for Islamic Studies.
- Shiazadeh, Elaha; Mortazavi, Saeed & Ansari, Mohammad Ali (2015). Representation of Tawakkel's behavioral indicators and checking its compatibility with managers' decision-making style. Islamic Management (96), 93-127.
- Supreme Council of Cultural Revolution (1390). Document of the fundamental transformation of education. Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution.
- Tabarsi, Fazl (1372). Assembly of Bayan in Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein. (1390). Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-Alami Publishing House.
- Tarihi, Fakhreddin (1375). Bahrain Assembly Tehran: Mortazavi.
- The Holy Quran (2018). Translation: Hossein Ansarian. Qom: Ain Danesh
- Zamakhshari, Mahmoud (1407). Exploring the mysterious facts of the download and the eyes of the proverbs in the aspects of interpretation. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.